

سلسله روچران و سکه های آنان

ابنیه و آثار

از مختصر آثار بجای مانده و آنچه که جغرافیدانان و مورخان از اواخر قرن سوم تا اوایل قرن پنجم هجری در مورد عمران و آبادی شهرها و روستاها و توسعه و مرمت آنها نگاشته اند و واقعات تاریخی که در شهرها و پایتخت « صفاریان » و قلمروی فرمانروائی آنان از سیستان ، خراسان ، فارس و خوزستان تا بنادر خلیج فارس روی داده است میتوان تاحدی از توجهی که امرای صفاری به آبادانی شهرها و مناطق متصرفی خود داشتند اطلاع حاصل کرد. « یعقوب لیث » و « عمرو لیث » درین امرای صفاری بیش از همه به ساختمان کاخ ، کوشک ، ابنیه ، قلاع ، رباط ، راهسازی ، سراها ، احداث پل و مساجد پرداختند. در گشودن هر شهر دستوراتی برای رفاه اهالی و تأمین آب میدادند. منطقه سیستان در این دوره بسیار آباد گردید و شهرهای آن خطه بخصوص زرنک (زرنج) که پایتخت اصلی صفاریان و مقر فرمانروائی آنان بود توسعه پیدا کرد و با ساختمان بناهای مختلف ، مانند: کوشکها ، قلاع ، سراها ،



بازارها ، مسجد جمعه ، بیمارستان ، بنای خزانه ، سرای امارت و حصارها از زیبایی خاصی بهره‌مند گردید (۱). در مورد زرنج «اصطخری» چنین گوید: «هیچ شهر بزرگتر از زرنج نیست شارستان و ریض دارد و گرد شارستان دیوار است و خندق و ریض هم چنین دیوار دارد. پنج دروازه دارد ، یکی در آهین و دیگری دروازه کهن و از این هر دو راه پارس برخیزد و سیم در کرکویه (۲) بر راه خراسان و چهارم نیشک سوی بست بیرون شود و پنجم دروازه طعام (۳) به روستاها بیرون شود و این دراز همه آباد تر است» (۴) از نزدیکی زرنج «ستارود» شعبه‌ای از «هیرمند» میگذشت ، این رود منطقه وسیعی از حوالی شهر و دهات اطراف را مشروب میساخت و در هنگام طغیان به دریاچه «زره» میرسید (۵) کاخ یعقوب لیث میان دروازه پارس و دروازه طعام واقع بود و کاخ دیگری در همان نزدیکی «عمرو لیث» برای خود بنا نهاد و بنای بزرگی برای خزانه ساخت (۶) یعقوب بازارهایی احداث کرد و درآمد قسمتی از آنها را وقف بیمارستان و مسجد جامع نمود (۷).

۱- رك لسترنج « محیط زرنج چهار فرسخ است ، شهرداری قلعه و پنج دروازه است و حومه‌ای پهناور دارد و این حومه نیز دارای قلعه و بارونی است و پیرامون حومه خندقی است» (ص ۳۶۰)

۲- نام این دروازه بمناسبت نام شهر کرکویه است که در بک منزلی زرنج قرار داشت و آتشکده‌ای وجود داشت که آتش آن هیچگاه خاموش نمیشد. برای مزید اطلاع رك لسترنج (ص ۳۶۶)

۳- به این مناسبت آنرا دروازه طعام میگفتند که خواربار از حومه اطراف از این دروازه وارد شهر میشد.

۴- مسالك و ممالك (ص ۱۹۳-۱۹۴) .

۵- « زره» دریاچه هامون.

۶- رك. صورة الارض در وسط شهر بنای ارك وجود دارد که خزانه عمرو لیث در آنجا بود و این بنا را عمرو ساخته (ص ۱۵۲)

۷- مسالك و ممالك از آن بازارها یعقوب لیث بنا فرموده است بر مسجد آدینه وقف کرده بر بیمارستان برمکه و از آن بازار هر روز هزار درم غله برخیزد (ص ۱۹۴)



حومه شهرداری بازارهائی است که بهم اتصال دارند. بواسطهٔ ورزش باذهای سخت (۱) برای تهیهٔ آرد از آسیابهای بادی استفاده میکردند. درزرنج باغهای فراوان بود و ازچشمه‌ها و آب روان که در شهرجاری بود بستانها مشروب میگرددید، در نتیجه شهر سرسبز و زیبا بوده است.

این شهر چندقرن پس از دوران صفاری کماکان آباد بود تا درسال (۵۷۸۵ ق) امیر تیمور این شهر زیبا و بزرگ را با خاک یکسان کرد (۲)

سیستان بواسطهٔ موقع اقلیمی و آبیاری صحیح منطقه‌ای پر نعمت و غله‌خیز بود لذا مردم در آسایش زندگی میکردند و رفاه مردم موجب آبادانی شهرها و روستاها گردید.

رود «هیرمند» دارای شعباتی بود که بر اغلب آنها بند بسته و پل‌ها ساختند، و به این طریق رفت و آمد مردم و حمل کالای بصورتی سهلتر درآمد.

«بست» پس از زرنج یکی از مهمترین شهرهای سیستان بود، مردمش توانگر بوده و بیشتر آنان بکار بازرگانی اشتغال داشتند (۳) رودخانهٔ هیرمند از نزدیکی بست میگذشت و جلودروازهٔ بست پل بود و راهی که از زرنج می‌آمد و از این پل میگذشت. این شهرداری مسجد و بازارهای معمور و حصار و قلعه‌ای بوده است.

نیشابور که یکی از شهرهای باستانی است (۴) در دورهٔ طاهریان مقرر فرمانروائی آنان گردید و امرای طاهری، توجه بسیار نسبت بتوسعه شهر و ساختن ابنیه بیدول داشتند (۵) باتصرف نیشابور بوسیلهٔ یعقوب و سپس عمرو لیث آبادتر گردید و مقر

۱ - در سال ۳۶۰ هجری گردهادی که یکسال قبل از آن در آن شهر حادث گردید و مسجد جامع را زیرین فرو برد. لسترنج (ص - ۳۶۱)

۲ - خرابه‌های زرنج در حوالی زاهدان دیده می‌شود. لسترنج (ص - ۳۵۹)

۳ - رك: مسالك و ممالك: از انجابه بازرگانی به هندوستان روند (ص - ۱۹۷)

۴ - رك: مجله معارف اسلامی. تاریخ سکه در اسلام (طاهریان) (ص ۳۴ و ۳۵)

و لسترنج (ص - ۴۰۸ تا ۴۱۳)

۵ - عبدالله بن طاهر بشهر نیشابور فرود آمد. در نیشابور بنای عجیب شادباخ را ساخت سپس منارا را بنا کرد. ناحیه‌ای وسیع از نیشابور که گفته شد دارای صدویست و چهار آبادی است - البلدان یعقوبی (ص ۵۴)



سکه یعقوب لیث

فرمانروائی و پایتخت آنان شد. عمرو لیث بازاری مقابل جامع شهر بنا کرد. و عمارات متعدد ساخت (۱) در تاریخ نیشاپور در مورد «شادیاخ» چنین آمده است: «مجله شادیاخ مکان عبدالله طاهر بود و یعقوب لیث خراب کرد و بساتین ساخت و بعد از آن شهر شد» (ص-۱۲۳). مسجد جامع بزرگی عمرو لیث ساخت که مقابل میدانی معروف به لشکرگاه واقع بود و دارالاماره نزدیک مسجد جامع (۲) بود. حمدالله مستوفی گوید: چون دولت به بنی لیث رسید عمرو بن لیث، در نیشاپور دارالامارات ساخت و نیشاپور دارالملک خراسان شد (۳).

-
- ۱- رک: تاریخ نیشاپور - خلیفه نیشاپوری کوشش کرد بهمن کریمی (ص - ۱۱۹)
 ۲- در کتاب «شهرهای معروف ایران» تألیف: لکارت: مسجد جامع نیشاپور را از ساخته‌های ابوسلم میدانند که عمرو لیث ضمن تعمیر آن الحاقاتی به آن اضافه کرد.
 ۳- نزهت القلوب (ص ۱۸۲)



در مسالک و ممالک در مورد آبادی نیشاپور در دوره صفاریان و ابنیه و آثار و سراها و دروازه‌ها، بوستانها و محلات آن مفصل آمده است (۱)

در باره کاخ و دژ و دروازه‌ها و بازارها و کارون سراها که قسمت مهمی از آن در دوره عمرو لیث بنا گردیده است در «صورت الارض» نیز بصورت کاملی شرح آن ذکر گردیده است (۲) در خزانه‌های شهرسنگان (سنجان) که یکی از شهرهای خواف بوده است، ساختمان گنبد دار خشتی است که بنام «مسجد گنبد» معروف است و از بناهای دوران صفاریان می‌باشد (۳) در راه سیستان به کرمان بین «کاو نیشک» و «کندر» رباطی است که عمرو لیث آن را ساخته است. «مقدسی» گوید: نیشابور چهل و دو محله دارد که برخی از محلات آن هر یک بقدر نصف شیراز است. خیابان‌های بزرگ آن که به دروازه‌ها منتهی می‌گردد از پنجاه خیابان کمتر نیست. مسجد جامع آن دارای چهار صحن است و از آثار عمرو لیث صفاری است. سقف آن برستونهایی از آجر متکی است و پیرامون مسجد سه رواق است و عمارت بزرگ مسجد داربوش با کاشی زراندود آراسته است و خود مسجد یازده در دارد، دارای ستونهای مرمر و سقفهای دیوارها نیمه پاکیزه و آراسته است (۴) در راه سیستان به کرمان بین کاو نیشک (۵) و کندر عمرو لیث رباطی ساخت و شهر سنج (۶) از نواحی کرمان در حد سیستان و راینز او بنا کرده است (۷)

یعقوب لیث درجندی شاپور (گندیشاپور) اقامتگاه ساخت و در آبادی

۱- رك: (ص ۲۰۴ و ۲۰۵)

۲- صورة الارض - ابن جوقل (ص ۱۶۷)

۳- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران (ص ۷۰)

۴- رك: لسترنج (ص ۴۱۱)

۵- یکی از روستاهای آباد نزدیک زرنج بنام نیشک بود که یکی از دروازه‌های شهرنیز به

همین نام بود.

۶- شهری در کویر. لسترنج (ص ۳۴۸) مسالک و ممالک (ص ۲۰۵)

۷- رك: مسالک و ممالک (ص ۲۰۵)



سکه عمرو لیث صفار

پشت سکه نام خلیفه المعتمد علی الله نقر است



آن کوشش نمود^(۱) یعقوب در همین شهر مرد و مدفون گردید. مسجد جامع عتیق شیراز که جزو ابنیه مهم این شهر محسوب می شود عمرولیث آنرا بنا کرده است (سال ۲۸۱ هـ ق). این مسجد در طی قرون در اثر سوانح مختلف از جمله زلزله، آسیب فراوان دیده و در ادوار بعدی مرمت گردید و تغییراتی و اضافاتی به آن داده شده است^(۲)

یعقوب لیث در نواحی متصرفی خود سعی داشت آثار و ابنیه ایجاد کند و به آبادی آنها پردازد. در «بندر مهرویان»^(۳) در خلیج فارس نیز کاروانسراها و مسجد جامع احداث کرد. این بندر در آن روزگار بسیار آباد بوده و کشتی‌هایی که از بصره بسوی هندوستان میرفتند از این بندر می‌گذشتند. در سال (۵۴۳ هـ ق) «ناصر خسرو» مهرویان را دیده و درباره آن گوید: «شهری بزرگ است بر لب دریانهاده بر جانب شرقی بازاری بزرگ دارد و جامعی نیکو. . . سه کاروانسرای بزرگ ساخته‌اند هر یک از آن چون حصاری است محکم و عالی و در مسجد آدینه آنجا بر منبر نام یعقوب لیث دیدم نوشته پرسیدم از یکی که حال چگونه بوده است گفت که یعقوب لیث تا این شهر گرفته بود»^(۴) «در بین امرای صفاری «طاهر بن محمد» گرچه در فرمانروائی لیاقت نداشت و مردی خوشگذران بود و خزانه صفاریان را تهی ساخت اما به ساختن ابنیه توجه

۱- مسالک و ممالک «گندیسابور شهری بزرگ و آبادان است، یعقوب بن لیث الصفار آنجا مقام کرد و گوروی هم آنجاست (ص ۹۲) صورة الارض «یعقوب بن لیث در جندی شاپور اقامتگاه ساخت و هم در آنجا مرد (۲۸)

۲- بدستور شیخ ابواسحق اینجو در سال (۷۵۲ هجری) بنای «خداخانه» را در وسط صحن مسجد ساختند و اما مقلیخان والی فارس بدستور شاه عباس کبیر اول بسال ۱۰۳۱ هجری مسجد جامع را تجدید بنا کرد

رک: اقلیم فارس- تألیف: سید محمد تقی مصطفوی (ص ۶۶۹ و ۶۷۰)

۳- رک: نزهت القلوب- مهرویان (ماه‌روان) شهری است برکنار دریاچنانکه موج دریا برکنارش میزند (ص ۱۵۷) رک: مسالک و ممالک (ص ۱۱۳ و ۱۱۴)

۴- رک: لسترنج (ص ۲۹۴) برای مزید اطلاع به کتاب آثار شهرهای باستانی سواحل خلیج فارس در بای عماد- تألیف: احمد- اقتداری (ص ۶۹۱، ۱۹۲) مراجعه شود.



خاص مبذول میداشت. در تاریخ سیستان آمده است «وهرچه مال فراز آورده آمد، اندر بناها و بستاین صرف همی کردند»^(۱) بفرمان وی در شهر بست بناها و میدانها و بستانها و برلب رودخانه نزدیک پل، کوشکی بنا کرد و کاخی در زرنج ساخت که به نام وی (ابوالحسنی) معروف گردید^(۲). باگذشت روزگاران بر اثر سوانح و حوادث مختلف از اینهمه آثار و ابنیه مختلف که در دوره صفاریان در قلمروی آنان^(۳) ایجاد گردید اثر مختصری بجای ماند و یا در زیر تپل های خاک مدفون شد^(۴).

اوضاع اقتصادی و مالی

« یعقوب لیث » پس از اینکه در محرم سال ۲۴۷ هجری از طرف مردم سیستان به فرمانروائی آن خطه منصوب گردید، ضمن برانداختن مخالفان و توسعه دادن به قلمروی فرمانروائی خود که از سیستان و خراسان و طخارستان و کابل و فارس و کرمان تا خوزستان و بنادر خلیج فارس میرسید، رویه مردم دوستی خود را از یاد نبرد و از طریق جوانمردی و انصاف که یکی از صفات بارز او بود منحرف نگشت و آسایش مردم

۱- تاریخ سیستان (ص ۲۷۶)

۲- تاریخ سیستان «به بست فرمان داد تانه گنبد بر آوردند نوو بستانها ساختند و پیرامون آن و میدانها و مالی اندر آن کرد و کوشک دیگر کردهم به بست برلب هیرمند نزدیک پل و به سیستان قصر ابوالحسنی این همه قصرها و به درم کرد (ص- ۲۸۰)

۳- در دوره یعقوب لیث و عمرو لیث قلمروی صفاریان در منتهای وسعت بود و حدود آن در مشرق تا رود سند و در شمال شرقی برود جیحون و در شمال و شمال غربی به تمامی خراسان و کرگان و طبرستان و جنوب کرمان و فارس و خوزستان و بنادر خلیج فارس میرسید.

۴- ویرانه های آثار و ابنیه صفاری در اطراف دریاچه هامون و حوالی زاهدان در زیر تپلهای خاک قرار دارد.

رامدنظر داشت و به این طریق روز بروز در جبهه و شان او افزوده گردید و محبت و مهرش در دلها جا گرفت.

دراث انضباط این سپهسالار بزرگ سیستانی، افراد لشکری در پیشروی و پیروزیهای خود قدرت نداشتند که بی اجازه دست به تصرف غنیمتی زده یاراه چپاول پیش گیرند، این انضباط توأم با مردم دوستی موجب شد که مردم شهر و روستا با امنیت خاطر و آرامش خیال بکار و کسب و پیشه و حرف خود پردازند و شهرها و روستاها که بر اثر تهاجمات و شورشها ویران یا رویه ویرانی بود بر اثر مساعی و توجه خاص یعقوب و سپس عمرو و حتی بسیاری از فرمانروایان صفاری مرمت یا از نو آباد گردید.

باین ترتیب وضع اقتصادی و مالی جوامع روستائی و شهری در سطح بهتر و مرفه تری درآمد و بدین طریق خزانه صفاریان که از سوئی متکی به درآمد ملی و از سوی دیگر به ذخیره کافی که از غنائم بدست می آورد، از وضع مالی درخشانی بهره مند بود. علاوه بر درآمد و عایدات مالیاتی و دیگر عواید که مرتب بصورت مستمری به دیوان مالی واریز میگردید، پیروزیهای سپاهیان صفاری و بدست آوردن سرزمینهای متصرفی موجبی برای ازدیاد ذخایر و خزانه صفاریان شد. چنانکه در جنگی بین « یعقوب » با « صالح بن نصر » و متحدان او « ربیع » شاه کابل و قسمت شرقی افغانستان که در حوالی بست در سال (۲۴۹ هجری) روی داد، اسرای زیادی در حدود سی هزار تن و غنائم بیشمار و درهم و دینار فراوان نصیب او گردید.

در فتح « هرات » که جزو قلمروی « طاهریان » بود، امیر طاهری هدایای فراوانی برای امیر صفاری فرستاد.

در استیلا بر کرمان و فارس که در سال (۲۵۵ هجری صورت گرفت) غنائم فراوان بدست یعقوب افتاد (۱) چنانکه یعقوب برای خلیفه « المعتز بالله » (۲۵۲-۲۵۵ ه - ق) نیز هدایائی فرستاد و به هر سپاهی سیصد درهم داد. امیر صفاری در فتح

۱- ر.ک. تاریخ سیستان (ومالها بسیار بدست یعقوب افتاده اند در دو حرب که آنها عدد و احصاء نبود) . . . (چون یعقوب با این بزرگی و مال از پارس اندر آمد . . . پنج هزار اشتر و هزار استر و خرورمه و اسب تازی و دیگر مالها) (ص ۲۱۴)



«رخج» و «کابل» در سال (۲۵۶ هـ ق) غنائم زیادی از جواهر، زروسیم از بتخانه‌ها بدست آورد (۱) که برای «المعتمد» خلیفه عباسی پنجاه بت‌زین و سیمین فرستاد. در تصرف «بامیان» که مرکز معاابد بودائی بود و درون غارها و پرستشگاه‌ها با انواع مجسمه‌ها که با ورقه‌های زرو انواع جواهر ترئین یافته بود آثاری از زمان ساسانیان موجود بود بسیاری از آثار و انواع جواهر نماید گردید و والی بلخ و بامیان نیز تعهد کردند که بعنوان خراج سالی ده هزار درهم به سیستان فرستند (۲)

پس از فتح نیشابور، شوال (۵۲۵ هـ ق) تمام خزائن آنشهر نصیب یعقوب لیث گردید. در فتح مجدد فارس خزاین «محمد بن واصل» حاکم فارس که دریکی از قلاع اصطخر (۳) بود بتصرف وی درآمد. «اموال زیادی که میزان آنرا تا چهل میلیون درهم نوشته‌اند حاصل نمود» (۴) در مورد اموال و گنجینه محمد واصل در قلعه اصطخر در تاریخ سیستان چنین آمده است: «تا غلامی بدان علامت بفرستاد و در قلعه بگشادند و سی روز هر روز پانصد استروپانصد اشتر از بامداد تا شبانگاه از آنجا

۱- درباره اهمیت معاابد و ابنیه آثار بامیان سیاح چینی (هیان تسانک) که در حدود قرن هفتم میلادی این شهر را دیده و سپس راهی از اهل کره در قرن هشتم میلادی از این شهر گذشته شرح مفصلي میدهد. رک: تمدن ایرانی- اثر چند تن از خاورشناسان. نوشته مربوط به این مطلب بی. گدار (ص ۳۹۰ و ۳۹۱) *تال جامع علوم انسانی*

۲- برای مزید اطلاع. رک: قیام ایرانیان، عباس پرویز (ص ۱۲۹)

۳- طبری نام این قلعه را خرمة گوید. تاریخ سیستان (ص ۲۳۰) و در مسالک و مسالک اصطخری نام آنرا سعیدآباد داند (قلعه سعیدآباد از کوره اصطخریک فرسنگ برپا شدن و آنرا در جاهلیت قلعه اسفندیار خواندندی، در روزگار امیرالمومنین علی بن ابی طالب رضوان الله علیه، زیاد بن ابیه، در این قلعه شد، به وی باز خوانند در آن پس در روزگار بنی امیه منصور بن جعفر که والی پارس بود آنجا مقام کرد و بوی باز خوانند و از آن پس مدتی خراب بود و بعد از آن محمد بن واصل حنظلی آبادان کرد و والی فارس بود چون یعقوب بن الیث او را بگرفت باز فرمود تا خراب کردند دیگر باره آبادان کرد و زندان ساخت)

(ص ۱۰۵): رک: صورة الارض. ابن حوقل (ص ۴۲)

۴- رک. تاریخ ایران - عباس اقبال (ص ۱۹۹).



همی درم و دینار و قرش و دیبا و سلاح قیمتی و اوانی زرین و سیمین برگرفتند^(۱) بقدری اسوال و ذخائر زیاد بود که بسیاری از آنرا بجای گذاشتند. در زمانیکه عمرو لیث اسیر گردید، سال (۵۲۸۷ - ق) و مردم سیستان با «طاهر بن محمد» بیعت کردند؛ خزائن صفاریان پر بود از انواع جواهر و سکه سیمین و زرین و سلاح و انواع پارچه ها و جامه ها. در تاریخ سیستان چنین آمده است: «بخزینه اندرسی و شش بار هزار هزار درم بود و دینار و جواهر و خزانه ها پر بود و بقلعه اسپهبد و دیگر قلعه ها همه گنج خانه و خزینه بود و جامه و سلیح و ستوران را کسی عدوا حصاء نداشت که چند بود و ضیاع و عقار و مرکبان بزرگوار و ده هزار غلام سرای بود»^(۲).

وضع مالی صفاریان به درجه ای بود که صدقات و بخششهای روزانه امیر جوانمرد یعقوب لیث کمتر از ده هزار دینار نبود. بارها به افرادی بیست هزار یا پنجاه هزار و یا صد هزار دینار و درهم داد^(۳). در مورد کردار عمرو لیث آمده است که وی همتی عالی داشت چنانکه هنگامیکه شخصی قطعه دیبائی زربفت برایش هدیه آورد تحقیق کرد که قیمت آن چقدر است چون دانست که دو هزار دینار ارزش آن پارچه زربفت است دستور داد بیست هزار دینار باو دهند، بتعداد غلامان بقطعاتی تقسیم کنند و آنان دهند. مالیاتی که از فارس برای خزانه صفاری در دوره عمرو لیث میرسید مبلغی بسیار زیاد بود. *رتال جامع علوم انسانی*

«ابن فقیه» چنین گوید: «عمرو لیث به روزگار خویش از فارس و یک هزار هزار درهم خراج میستاند و از کشتزارهای فارس نوزده هزار هزار درهم بدینگونه خراج آنها پنجاه هزار هزار درهم میشد»^(۴)

اوضاع اقتصادی قلمروی صفاریان تاروی کار آمدن «طاهر بن محمد» بر اساس نظم و نسق و روال مرتبی که اصل آن قدرت مرکزی و نظم امور دیوانی

۱- تاریخ سیستان (ص ۲۳۰)

۲- تاریخ سیستان (ص ۲۵۷)

۳- رکن: تاریخ سیستان (ص ۲۶۳)

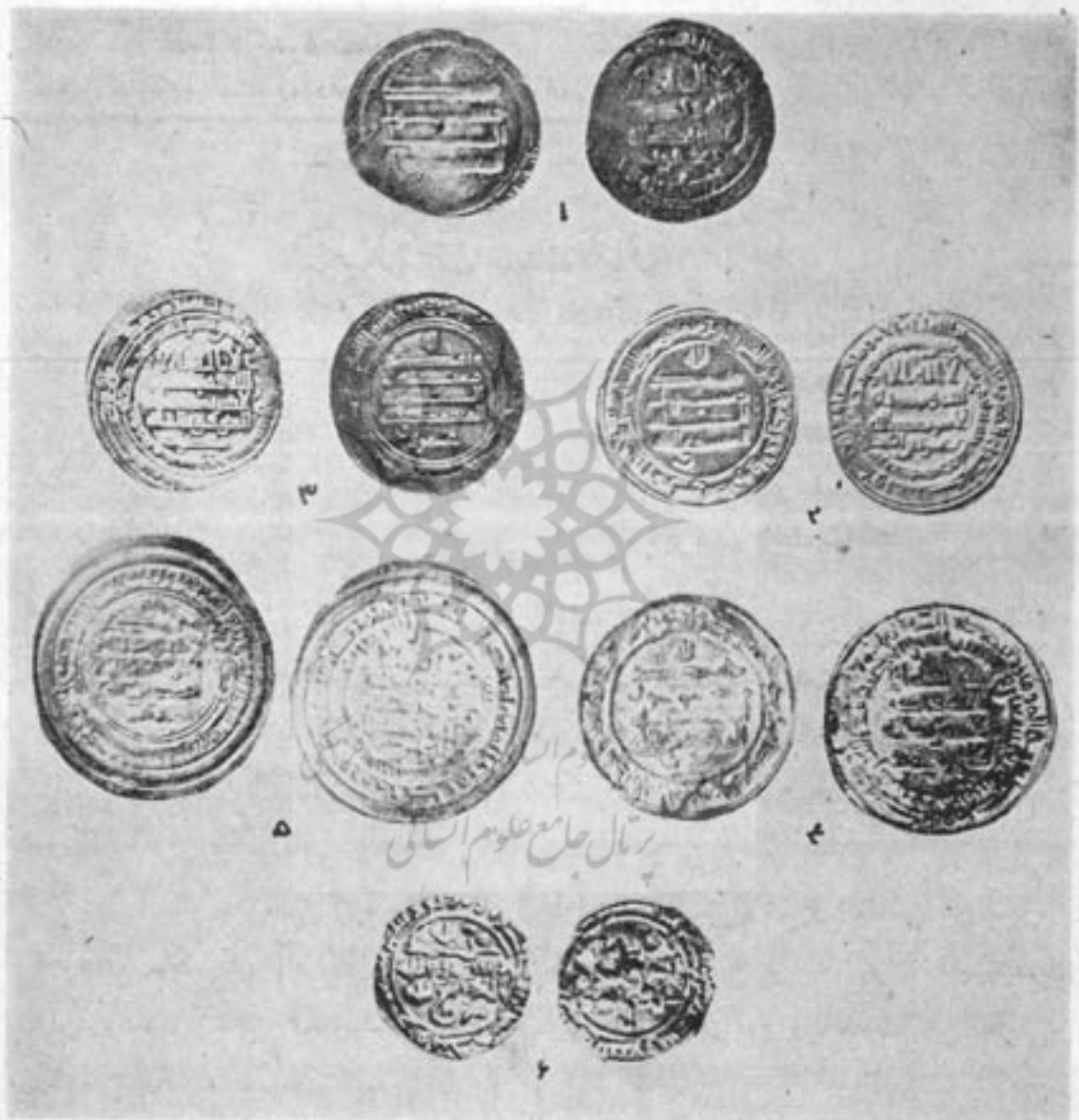
۴- البلدان (ص ۱۷)

و توجه به مسأله عمران شهری و روستائی و فعالیت کشاورزی بود و وضع مطلوبی داشت، اما اسراف و تبذیر و خوشگذرانی «طاهر» و دور ساختن رجال با درایت از گرد خود و دمساز بودن بای خردان موجب شد که بسیاری از گنجها از خزانه پرفت و آب رفته بجوی باز نگشت، چنانکه «ایاس بن عبدالله» که مردی کاردان و مدتها در خدمت یعقوب لیث و عمرو بود، از راه خیرخواهی او را نصیحت کرد و چنین گفت: «این پادشاهی با شمشیر ستدیم و تو بلهوه می خواهی پادشاهی بهزل نتوان داشت»^(۱). «طاهر» نه تنها نصایح سیاست مداران و مدیران دستگاه را نپذیرفت بلکه در خرج مال و صرف اموال بیش از پیش کوشا گردید و فرمان داد بشهر «بست» کاخی بزرگ ساختند و پیرامون آن باغ بستانها و میدانها و کوشکها از جمله کاخی بر لب هیرمند نزدیک پل که بنام او نامیده میشد احداث کردند. وضع باین منوال بود بطوریکه در گیرو دار اختلاف امرای صفاری بر سر فرمانروائی «سبکری» که خود در گذشته از بندگان یعقوب لیث بود و اکنون ادعای امارت داشت گفته بود: «ایشان خداوند زادگان منند و هیچ کس سزاورتر نیست که ایشانرا بندگی کند که من، اما ایشان پادشاهی بخواهند کرد و همت آن ندارند و خزینه و مال جمع کرده یعقوب و عمرو همه بیاد دادند»^(۲). از اینرو در اثر بی تدبیری و اختلاف امراء در سازمان مالی آنان، مانند دیگر دستگاههای این سلسله اختلال و بی نظمی روی داد.

ادامه دارد

۱- تاریخ سیستان (ص ۲۷۹)

۲- تاریخ سیستان (ص ۲۸۵)



- ۱ - یعقوب ایٹ : ۲۴۷ - ۲۶۵ - ۵ ق. ۲ - عمرو لیث : ۲۶۵ - ۲۸۷ - ۵ ق.
 ۳ - ابو جعفر احمد : ۳۱۱ - ۳۵۲ - ۵ ق. ۴ - طاہرین محمد : ۲۸۷ - ۲۹۶ - ۵ ق.
 ۵ - ابو احمد خلف : ۳۵۲ - ۳۹۳ - ۵ ق.